

## تحلیل سازوکارهای منطقی در تولیدات طنزآمیز کودکان پیش‌دبستانی

سریرا کرامتی یزدی

دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

شهلا شریفی<sup>۱</sup>

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

علی علیزاده

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

عطیه کامیابی گل

استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۵؛ تاریخ پذیرش مقاله ۹۸/۲/۱۹

### چکیده

در این مقاله با هدف بررسی تولید طنز در کودکان پیش‌دبستانی از دیدگاه زبان‌شناسی، منبع دانش ساز و کار منطقی را به عنوان مبنای نظری تحلیل برگزیده‌ایم. ساز و کار منطقی بعد از تقابل انگاره، مهم‌ترین متغیر در نظریه عمومی طنز کلامی است. ساز و کار منطقی در این نظریه، شیوه تحلیل عدم‌تجانس بین دو انگاره متقابل را بیان می‌کند. شرکت‌کننده‌های این تحقیق ۱۰۰ کودک پیش‌دبستانی ۴-۶ ساله شامل ۵۰ دختر و ۵۰ پسر بودند که به منظور بررسی تولید طنز از آنها خواسته شد خاطره خنده‌داری که برای خودشان اتفاق افتاده را تعریف کنند. خاطرات کودکان، فیلم‌برداری و در جداولی که به این منظور طراحی و پیاده‌سازی شد. دلیل خنده‌دار دانستن خاطره از دید کودک عدم‌تجانس خاطره کودک است. این عدم‌تجانس، بر اساس طبقه‌بندی وارن و مک گراو (۲۰۱۵) که جدیدترین شیوه تحلیل عدم‌تجانس است تحلیل شد. عدم‌تجانس در طبقه‌بندی وارن و مک گراو شامل چهار ساز و کار منطقی غافلگیری، غیرمعمولی بودن، برابرنهادی و تخطی است. نتیجه این تحقیق نشان داد که کودکان در بیان خاطرات طنزآمیزشان بیشتر از ساز و کار منطقی غافلگیری استفاده می‌کنند و ساز و کارهای منطقی غیرمعمولی بودن و تخطی بعد از ساز و کار منطقی غافلگیری پرکاربردترین ساز و کارهای منطقی در ساخت خاطرات طنز کودکان است؛ در حالی که ساز و کار منطقی برابرنهادی در تولیدات طنزآمیز کودکان بسیار کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر جنسیتی در سنین پیش‌دبستانی در نوع و تعداد ساز و کارهای منطقی به کار رفته در تولیدات طنز دخترها با پسرها تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. ساز و کار منطقی غافلگیری و غیرمعمولی بودن بالاترین میزان کاربرد را در تولید خاطرات خنده‌دار کودکان داشته است. کاربرد بیشتر این دو ساز و کار منطقی بیانگر تقابل پایه‌ای است که به لحاظ شناختی نیز مورد تأیید است. تأکید مقاله حاضر مبنی بر استفاده از نظریه عدم‌تجانس در ساز و کار منطقی طنز در کودکان است و مقاله حاضر قصد دارد این فرآیند را در کودکان پیش‌دبستانی بین ۴-۶ ساله با استفاده از این نظریه به چالش بکشد.

**واژه‌های کلیدی:** طنز، نظریه عدم‌تجانس، تقابل انگاره، سازوکار منطقی، کودکان پیش‌دبستانی.

## ۱- مقدمه

نظریه عدم‌تجانس<sup>۱</sup> پیش از آنکه توسط سیسرو<sup>۲</sup> در قرن ۱۸ و کانت<sup>۳</sup> در قرن ۱۹ عنوان شود، به آراء ارسطو بازمی‌گردد و از آن زمان تاکنون به عنوان مهم‌ترین نظریه طنز مورد قبول و ارجاع پژوهشگران این حوزه بوده است. نظریه عدم‌تجانس بیان می‌کند چیزی که باعث سرگرمی می‌شود در بعضی انواع عدم‌تجانس نهفته است و خنده بیان لذت و خوشی ما از آن رویداد یا چیز نامتجانس است (کولکا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷: ۳۲۱). از دیدگاه این نظریه، طنز از عدم‌تجانس میان مجموعه‌ای از انتظارات و دریافت آنچه که واقعاً رخ داده است، به دست می‌آید.

نظریه عدم‌تجانس به خاطر ویژگی ذاتی خود یعنی سادگی و توانایی توصیف انواع طنز، به خصوص در زمینه جوک‌های نوشتاری، محبوبیت فراوانی دارد و در سطح گسترده‌ای مورد تأیید واقع شده است (به عنوان نمونه، شولتز<sup>۵</sup>، ۱۹۷۶؛ سالز<sup>۶</sup>، ۱۹۷۲). با این وجود همواره یکی از چالش‌های اساسی پیش روی این نظریه، عدم وجود تعریفی دقیق از واژه «عدم‌تجانس» است (مارتین<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷). به گفته شولتز، عدم‌تجانس معمولاً به این صورت تعریف می‌شود: «تعارضی مابین آنچه انتظار می‌رود و آنچه فی‌الواقع در جوک رخ می‌دهد» (شولتز، ۱۹۷۶: ۱۲). مک‌گی<sup>۸</sup> (۱۹۷۹) محقق پیشگام در زمینه طنز بر اهمیت عدم‌تجانس به عنوان زیرساخت هر نوع طنز تأکید می‌کند. وی عدم‌تجانس را در معنای وسیع، مربوط به یک چیز غیرمنتظره، خارج از زمینه، نامناسب، بدون دلیل، غیرمنطقی، اغراق‌آمیز و... می‌داند (مک‌گی، ۱۹۷۹: ۱۰). مک‌گی معتقد است عدم‌تجانس چیزی است که اتفاق می‌افتد «وقتی ترتیب عناصر تشکیل‌دهنده یک رویداد با الگوی طبیعی یا مورد انتظار آن، ناسازگار است» (مک‌گی، ۱۹۷۹: ۷). وندال<sup>۹</sup> (۲۰۰۲) درباره عدم‌تجانس می‌گوید: «جدای از اینکه یکی از جنبه‌های برجسته طنز است، نمادی است از یک سنت کاملاً نظری که بر اساس آن، عدم‌تجانس اصلی‌ترین ویژگی قابل‌تعمیم طنز به شمار می‌رود». به گفته گروایس<sup>۱۰</sup> و ویلسون<sup>۱۱</sup> «آنچه از تاریخچه موضوع به دست می‌آید نشان‌دهنده اتفاق نظری جمعی بر سر این موضوع است که زیربنای تقریباً تمام انواع طنز رسمی خنده‌دار را عدم‌تجانس و غیرمنتظره بودن تشکیل می‌دهد» (گروایس و ویلسون، ۲۰۰۵: ۳۹۸). سایرین نیز این موضوع را این‌گونه خاطر نشان می‌کنند که «طنز و عدم‌تجانس، به نظر متحدانی جدانشدنی هستند» (ویل<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴: ۴۱۹). البته این عقیده که عدم‌تجانس عنصر اصلی طنز است، به سه قرن گذشته بازمی‌گردد اما امروزه نیز در میان محققان طنز شامل فیلسوفان،

1. Incongruity Theory. 2. Cicero. 3. Kant. 4. Kulka. 5. Shultz. 6. Suls. 7. Martin. 8. McGhee. 9. Vandaele. 10. Gervais. 11. Wilson. 12. Veale.

روانشناسان، اساتید ادبیات، زبان‌شناسان و غیره همچنان مورد پذیرش است (موریل<sup>۱</sup> ۱۹۸۳ و ۱۹۸۷، فورابوسکو<sup>۲</sup> ۲۱۹۹، آتاردو<sup>۳</sup> ۱۹۹۴، لاتا<sup>۴</sup> ۱۹۹۹).

نظریه عدم‌تجانس به فرایند تولید و درک طنز به عنوان یک پدیده شناختی می‌پردازد، فرایندی که در آن یک موقعیت نامتجانس مثل یک غافلگیری<sup>۵</sup>، عدم مطابقت<sup>۶</sup> یا یک موقعیتی که از انتظارات ما تخطی می‌کند وجود دارد (لوایزو و کریاکو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶: ۱۰۰).

مفهوم عدم‌تجانس در چارچوب نظریات جدید طنز همچون نظریه انعطاف‌پذیری کوئستلر<sup>۸</sup> (۱۹۶۴)، مدل دو مرحله‌ای سالز (۱۹۷۲)، انعطاف‌پذیری چارچوب نوریک<sup>۹</sup> (۱۹۸۶)، نظریه انگاره معنایی طنز<sup>۱۰</sup> راسکین<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۵) و نظریه عمومی طنز کلامی<sup>۱۲</sup> آتاردو<sup>۱۳</sup> و راسکین (۱۹۹۱)؛ همچنان نقش کلیدی دارد (باناس<sup>۱۴</sup> و دیگران ۲۰۱۰؛ بوث باترفیلد<sup>۱۵</sup> و ون زر<sup>۱۶</sup> ۲۰۱۰؛ لوایزو<sup>۱۷</sup> ۲۰۰۵). دو نظریه آخر که مهم‌ترین نظریات زبان‌شناسی طنز در حال حاضر هستند از مفهوم جدید تقابل انگاره<sup>۱۸</sup> به جای عدم‌تجانس استفاده کردند. نظریه عمومی طنز کلامی که گسترش‌یافته نظریه انگاره معنایی طنز است، برای تحلیل متون طنز، شش منبع دانش<sup>۱۹</sup> در نظر می‌گیرد که در ادامه بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

سازوکار منطقی<sup>۲۰</sup> که در این مقاله به عنوان مبنای نظری تحقیق انتخاب شده است، بعد از تقابل انگاره مهم‌ترین متغیر در نظریه عمومی طنز کلامی است و شیوه تحلیل انگاره‌های متقابل در طنز را بیان می‌کند.

در این تحقیق در جستجوی پاسخ این پرسش‌ها هستیم: ۱- در خاطرات طنزآمیز بیان‌شده توسط کودکان چه سازوکارهای منطقی وجود دارد؟ ۲- آیا سازوکارهای منطقی به کار رفته در تولیدات طنزآمیز دخترها با پسرها تفاوت فراوانی دارد؟ لازم به ذکر است که منظور از طنز در این تحقیق به معنی هر آن چیزی است که دارای ویژگی خنده‌دار بودن باشد. در کودکان درک و تولید مقولات طنز با عکس‌العمل «خندیدن» یا بیان کردن «خنده‌دار بود» همراه است.

## ۲- مبانی نظری تحقیق

نظریه عدم‌تجانس مورد اقبال‌ترین نظریه کلاسیک طنز است که با گذر زمان از توجه و تأیید آن کاسته نشده و بیش از چهل سال است که مورد ارجاع پژوهشگران و نقطه

1. Morreall. 2. Forabosco. 3. Attardo. 4. Latta. 5. surprise. 6. mismatch. 7. kyriakou. 8. Koestler. 9. Norrick. 10. Semantic Script Theory of Humor= SSTH. 11. Raskin. 12. General Theory of Verbal Humor= GTVH. 13. Attardo. 14. Banas. 15. Booth-Butterfield. 16. Wanzer. 17. Loizou. 18. Script Opposition. 19. Knowledge Recourses. 20. Logical Mechanism=LM

عطف نظریات مدرن طنز در حوزه‌های مختلف است. بسیاری از محققان با کمک این نظریه به بررسی جنبه‌های شناختی در درک متون کلامی و کارتونی طنزآمیز از دیدگاه زبان‌شناختی پرداخته‌اند.

ویکتور راسکین اولین زبان‌شناسی است که از مفهوم عدم‌تجانس استفاده کرد و نظریه‌اش را بر مبنای تقابل انگاره که تعریف دیگری از عدم‌تجانس بود ارائه کرد. پس از او، آتاردو مؤثرترین زبان‌شناس دیگری است که به ارائه نظریه در باب طنز با محوریت مفهوم تقابل انگاره پرداخت. وی، به همراه راسکین صورت اصلاح‌شده و گسترده‌تری از نظریه انگاره معنایی طنز را در سال ۱۹۹۱ با عنوان نظریه عمومی طنز کلامی ارائه کرد که تاکنون نیز به عنوان تازه‌ترین و کامل‌ترین نظریه زبان‌شناختی طنز مورد پذیرش محققان سراسر دنیاست. نظریه عمومی طنز کلامی علاوه بر تقابل انگاره که در نظریه معنایی طنز راسکین ارائه شده بود پنج متغیر دیگر هم دارد. این شش متغیر در نظریه عمومی طنز کلامی عبارت بودند از: تقابل انگاره، سازوکار منطقی، هدف<sup>۱</sup>، موقعیت<sup>۲</sup>، شیوه روایت<sup>۳</sup> و زبان<sup>۴</sup> (آتاردو، ۲۰۰۸ الف: ۱۲۰۵).

تعریف متغیر «تقابل انگاره» در نظریه عمومی طنز کلامی، همان است که در نظریه انگاره معنایی راسکین بود. این متغیر، انتزاعی‌ترین بخش منابع دانش است. آتاردو بیان می‌کند که هر متن طنزآمیز، بیانگر حداقل یک منبع دانش تقابل انگاره است. «سازوکار منطقی»، شیوه تحلیل عدم‌تجانس بین دو انگاره متقابل موجود در متن طنز را مشخص می‌کند. در هر متن طنز حداقل یک جفت انگاره در تقابل وجود دارد. معمولاً روال طنز به گونه‌ای پیش می‌رود که ابتدا در ذهن خواننده یک انگاره شکل می‌گیرد اما در ادامه، انگاره دومی مطرح می‌شود که با انگاره اول همخوانی ندارد. «موقعیت»، همان پس‌زمینه مفروض در طنز است؛ شرایط و مکانی که طنز در آن رخ می‌دهد. «هدف»، در منابع دانش بیان می‌کند که چه کسی یا کسانی، مورد هدف شوخی طراحی شده قرار گرفته‌اند. این متغیر، یک ویژگی اختیاری است؛ بدین معنا که نیازی نیست حتماً همه متون طنز دارای هدف باشند. «شیوه روایت»، به نوع<sup>۵</sup> متن طنز مربوط می‌شود؛ به عبارت دیگر این متغیر نشان می‌دهد که آیا متن طنز یک روایت ساده داستانی، مکالمه و یا از نوع چیستان است. «زبان»، در منابع دانش به عنوان «همه انتخاب‌ها در سطوح آوایی، واجی، واژوواجی، ساختواژی، واژگانی، نحوی، معنایی و کاربردشناسی زبان» در نظر گرفته شده است (آتاردو، ۲۰۰۱ الف: ۲۲-۲۷). همه بخش‌های دیگر منابع دانش با این سطح در هم تنیده می‌شوند و در مجموع روساخت متن طنز را شکل می‌دهند (همپلمان<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰: ۳۷).

1. Target. 2. Situation. 3. Narrative Strategy. 4. Language. 5. genre. 6. Hempelman

سازوکار منطقی که برای اولین بار توسط آتاردو و راسکین (۱۹۹۱) در نظریه عمومی طنز کلامی برای تحلیل متون طنز و به طور ویژه جوک، به کار رفت؛ بعد از تقابل انگاره مهم‌ترین متغیر در تحلیل طنز است. این اصطلاح در سال‌های بعد به عنوان مبحثی جداگانه و به عنوان چارچوب تحلیل در پژوهش‌های طنز مورد بررسی قرار گرفت.

پائولیو<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) به ارائه سیزده سازوکار منطقی در پیکره مورد انتخابش که تصاویر کارتونی بودند، پرداخت. آتاردو، همپلمن و دی میو<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) نیز به ارائه فهرستی از سازوکارهای منطقی در جوک‌ها پرداخته‌اند که هیچ‌یک از دو مورد ذکر شده به لحاظ محتوا و مواد، قابلیت تحلیل خاطرات طنز کودکان پیش‌دبستانی را ندارد. وارن و مک گراو<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) جدیدترین شیوه تحلیل عدم‌تجانس را ارائه کردند. طبقه‌بندی چهارگانه آنها از شیوه‌های کلی تحلیل عدم‌تجانس، شامل چهار دسته «غافلگیری»<sup>۴</sup>، «برابرنهادی»<sup>۵</sup>، «غیرمعمولی بودن»<sup>۶</sup> و «تخطی»<sup>۷</sup> است.

جدول ۱) شیوه‌های تحلیل عدم‌تجانس وارن و مک گراو (۲۰۱۵)

شیوه‌های تحلیل عدم‌تجانس			
غافلگیری	برابرنهادی	غیرمعمولی بودن	تخطی
چیزی که مورد انتظار نیست	درک هم‌زمان عناصر یا ادراک ناسازگار	چیزی متفاوت از آنچه به طور طبیعی مورد انتظار است	چیزی که حس شما را درباره اینکه چیزها چگونه باید باشند تهدید می‌کند

این چهار شیوه تحلیل عدم‌تجانس، همان سازوکار منطقی در پژوهش‌های طنز است. در ادامه به توضیح بیشتر هر یک از این سازوکارهای منطقی می‌پردازیم:

## ۲-۱- غافلگیری

سازوکار منطقی غافلگیری از متداول‌ترین شیوه‌های تحلیل عدم‌تجانس است. به این ترتیب که سازوکار منطقی غافلگیری، بیانگر تحلیل دو انگاره متقابل است که موجب غافلگیری شده است. در واقع تحلیل عدم‌تجانس دو انگاره متقابل غیرمنتظره و غافلگیرکننده است. دکرز و کیزر<sup>۸</sup> (۱۹۷۵) سازوکار منطقی غافلگیری را حاصل از عدم‌تجانس بین وضعیتی که اتفاق افتاده و وضعیت مورد انتظار امور می‌دانند. «تعارض مابین آنچه انتظارش می‌رود و آنچه در واقع رخ می‌دهد» (شولتز، ۱۹۷۶: ۱۲)، «تعارض شناختی‌ای که به هنگام رخ دادن چیزی غیرمنتظره یا گفتن آن رخ می‌دهد»

1. Paolillo. 2. Di Maio. 3. Warren & McGraw. 4. Surprise. 5. juxtaposition. 6. Atypicality. 7. Violation. 8. Deckers & Kizer

دی می<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۷۰) و «انحراف از انتظارات» (آلدن، هویر ولی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳: ۶۶) توصیف فرآیند غافلگیری در طنز است که همان‌طور که گفته شد از متداول‌ترین سازوکارهای منطقی در ساختار پدید آوردن طنز است.

### ۲-۲- برابر نهادی

سازوکار منطقی برابر نهادی، بیانگر برابر نهادی دو انگاره نامتجانس است. این سازوکار منطقی در تحلیل عدم‌تجانس مربوط به «فعال‌سازی هم‌زمان دو انگاره ناسازگار» است (مارتین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۸۷). سازوکار منطقی برابر نهادی، «کنار هم گذاشتن دو برداشت، مفهوم یا دو عنصری را که با هم در تعارض هستند و عموماً با هم و در کنار هم نمی‌آیند» (وارن و مگ گراو، ۲۰۱۵: ۲) «ارتباط دو چیز که عموماً ناسازگار با هم دانسته می‌شوند» (ایسنک<sup>۴</sup>، ۱۹۴۲: ۲۹۷)، «ادغام دو ایده‌ای که کاملاً مجزای از هم در نظر گرفته می‌شوند» (مونرو<sup>۵</sup>، ۱۹۸۸: ۳۵۲) را بیان می‌کند.

### ۲-۳- غیر معمولی بودن

سازوکار منطقی غیر معمولی بودن، بیانگر رابطه غیر معمولی بین انگاره‌ای که از پیش در ذهن وجود داشته یا پیش‌بینی شده است با انگاره‌ای که به وقوع پیوسته است. سازوکار منطقی غیر معمولی بودن، مشابه غافلگیری است اما باید در نظر داشت که چیزهایی که غیر معمولی هستند لزوماً همواره هم غافلگیرکننده نمی‌باشند بنابراین سازوکار منطقی غیر معمولی بودن بسیار گسترده‌تر از سازوکار منطقی غافلگیری است.

بیلی<sup>۶</sup> (۱۹۲۱) سازوکار منطقی غیر معمولی بودن را به عنوان «هر نوع جدا شدن از استانداردهای اجتماعی» تعریف می‌کند؛ مگ‌گی (۱۹۷۹) اظهار می‌دارد، «وقتی ترتیب عناصر اصلی یک رویداد با الگوی معمول یا مورد انتظار همخوانی نداشته باشد، رویداد مزبور به عنوان نامتجانس ادراک می‌شود» و تحلیل این رویداد نامتجانس با سازوکار منطقی غیر معمولی بودن صورت می‌گیرد (وارن و مگ گراو، ۲۰۱۵: ۳-۲).

### ۲-۴- تخطی

سازوکار منطقی تخطی بیانگر رابطه تخطی آمیز دو انگاره متقابل است یعنی انگاره‌ای که به وقوع پیوسته، از عقل، ادب یا قوانین اجتماعی تخطی کرده است و در تقابل با انگاره‌ای است که از پیش در ذهن وجود داشته یا پیش‌بینی می‌شده است. موریل<sup>۷</sup> (۱۹۹۹) سازوکار منطقی تخطی را «اختلاف مابین شیوه بودن امور و شیوه‌ای که امور باید باشند» تعریف کرده است. وی اظهار می‌دارد که نکته مهم آن است که این ارزیابی، باید بار منفی داشته باشد. موریل (۱۹۸۳) استدلال می‌کند سازوکار منطقی تخطی

1. De Mey. 2. Alden, Hoyer & Lee. 3. Martin. 4. Eysenck. 5. Monro. 6. Baillie.  
7. Morreall

برگرفته از «تشخیص غیرعقلانی یا نامناسب بودن چیزی» است. به همین منوال لینچ<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، اصطلاح «تخطی» را به‌عنوان چیزی «غیرعقلانی، تناقض‌آمیز، غیرمنطقی، ناسازگار، سفسطه‌آمیز یا نامناسب» تعریف می‌کند. وارن و مک‌گراو، (۲۰۱۵) نیز به تبعیت از ویتک<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) از اصطلاح «تخطی» برای وصف هر نوع محرکی استفاده می‌کنند که به نظر تهدیدکننده، اشتباه یا منفی می‌آید. تخطی، در قیاس با غیرمعمولی بودن، مفهوم‌پردازی ظریف‌تری از عدم‌تجانس است زیرا همه تجربیات غیرمعمولی هم تخطی‌آمیز نیستند. به عنوان نمونه یک مایل را ظرف ۴ دقیقه دویدن یا برنده‌شدن در لاتاری، غیرمعمولی هستند اما ضرورتاً تخطی نمی‌باشند. تخطی هنگامی است که امری رخ بدهد اما متفاوت از ادراک فرد باشد که تصور داشت آن چیز باید به شکل خاصی رخ می‌داده، در مقابل، غیرمعمولی بودن یک امر وقتی است که چیزی رخ بدهد و با ادراک فرد که می‌اندیشید آن امر به طور معمولی به شکل خاصی روی می‌دهد، فرق کند (وارن و مک‌گراو، ۲۰۱۵: ۳)؛ بنابراین درباره تشخیص سازوکار منطقی تخطی در تحلیل عدم‌تجانس، این‌گونه می‌توان گفت که منظور از تخطی چیزی غیر صحیح، غیرعقلانی و غیرقانونی است که بدتر از آنچه به طور معمول انتظار می‌رود به وقوع می‌پیوندد.

چهار سازوکار منطقی معرفی‌شده توسط وارن و مک‌گراو (۲۰۱۵) که با روشی ساده و پرهیز از ارائه دسته‌بندی‌هایی که دچار همپوشی باشند، برای تحلیل عدم‌تجانس ارائه شدند، به منظور توصیف تولیدات طنز کودکان پیش‌دبستانی در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. به بیان دیگر مبنای نظری تحلیل این مقاله بر پایه تشخیص نوع سازوکار منطقی حاکم بر شکل‌گیری عدم‌تجانس در چهار دسته «غافلگیری»، «برابرنهادی»، «غیرمعمولی بودن» و «تخطی» است.

### ۳- پیشینه تحقیق

صرف‌نظر از پژوهش‌های ادبی صورت گرفته در حوزه طنز اعم از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات؛ عمده پژوهش‌هایی که با رویکرد زبان‌شناختی درباره طنز در کشورمان صورت گرفته است را می‌توان در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد زمانیان (۱۳۸۶)، کرامتی یزدی (۱۳۸۸)، شریعت پناه (۱۳۹۲) مشاهده کرد. زمانیان (۱۳۸۶) به «نقش ابهام در لطیفه‌های زبان فارسی» می‌پردازد و نقش ابهام زبانی (واژگانی و نحوی) را در لطیفه‌های گفتاری زبان فارسی بر اساس دیدگاه نظریه معناشناختی ویکتور راسکین مورد بررسی قرار می‌دهد. از نتایج بررسی صورت گرفته این است که از بین انواع ابهام، ابهام واژگانی بیشترین نقش و از بین انواع ابهام واژگانی، چندمعنایی سهم بیشتری را در ساخت لطیفه‌های مورد بررسی در زبان فارسی داشته است. کرامتی یزدی (۱۳۸۸) به «توصیف

1. Lynch. 2. Veatch.

و بررسی طنز در مطبوعات زبان فارسی از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۸۸ بر اساس رویکردهای کاربردشناختی» پرداخته است. وی ضمن معرفی نظریات مختلف در باب طنز، از دیدگاه کاربردشناختی زبان و با استفاده از رویکردهای توانش محور با انتخاب سه چارچوب از نظریات مطرح طنز به تحلیل سه نوع متن طنز مطبوعاتی می‌پردازد. در این پژوهش برای تحلیل جوک‌های مطبوعاتی از نظریه انگاره معنایی طنز راسکین، برای تحلیل متون منثور طنز از نظریه عمومی طنز کلامی و برای تحلیل متون مکالمه‌ای طنز از اصل عدم همکاری استفاده شده است. شریعت پناه (۱۳۹۲) به «تحلیل گفتمان *وغ* و *وغ ساهاب* بر پایه نظریه عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی-شناختی ون دایک» پرداخته است. بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش، مشخص شد از میان شش متغیر پایه موجود در نظریه عمومی طنز کلامی، دو متغیر زبان و هدف نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری طنز در این اثر ایفا کرده‌اند. علاوه بر آن، هنجارگریزی نحوی به صورت گریز از آرایش متداول جمله، هنجارگریزی سبکی، هنجارگریزی نوشتاری و پیش‌فرض وجودی از جمله عوامل مؤثر در نگارش این اثر صادق هدایت به شمار می‌روند. علاوه بر موارد فوق، از مقالاتی نظیر بختیاری و رضاپور (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی ویژگی‌های طنز کلامی در آثار نیل سایمون: بررسی موردی نمایشنامه‌های شایعات و گمشده دربانکرز» که در دو حوزه معناشناسی و کاربردشناسی زبان به بررسی شیوه‌هایی می‌پردازد که سایمون طنز کلامی و انتقادی خود را شکل می‌دهد می‌توان نام برد. در این مقاله، در حوزه معناشناسی عناصر ابهام و سطوح مختلف آن، تناقض، همان‌گویی، اغراق و استعاره به عنوان عوامل ایجاد طنز بررسی شده‌اند و در حوزه کاربردشناختی زبان به شیوه‌های خلق طنز کلامی از رهگذر تفسیر مرجع شاخص‌ها، تلمیح، ساخت گفتمانی، به هم زدن قواعد نوبت‌گیری، نقض اصول همکاری گرایس و برهم زدن پیش‌انگاری پرداخته شده است. مقاله محرابی و مدرس خیابانی (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی عوامل زبانی مؤثر در شکل‌گیری طنز کلامی» نیز از دیگر مقالات زبان‌شناختی در حوزه طنز است که ضمن مشخص کردن ویژگی‌های واژگانی طنز کلامی در جک‌های پیامکی، به طبقه‌بندی انواع این نوع جک بر اساس الگوی لیو پرداخته است.

درک و تولید طنز از جمله مقولاتی است که تاکنون از دیدگاه علم زبان‌شناسی در کشورمان مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین تعداد پژوهش‌هایی که به بررسی تولید طنز پرداخته باشند در خارج از کشور نیز در مقایسه با پژوهش‌هایی که به درک طنز اختصاص دارند بسیار اندک است.



در پژوهش پیتتری<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) ۵۷۸ کودک (۴,۵ تا ۱۲ ساله) مشارکت داشتند. از این کودکان درخواست کرده بودند که یک چیز خنده‌دار بکشند و برای محققان توضیح بدهند. هدف این پژوهش تعیین موضوعات طنزآمیز از نظر کودکان بود. این پژوهش نشان داد که کودکان از موضوعات طنز مختلفی آگاهی دارند و جنسیت تأثیری در این آگاهی نداشت.

در سال ۲۰۱۱، لویزو در پژوهشی مشابه از شش کودک (۵ تا ۶ ساله) درخواست کرد تا به وسیله دوربینی کوچک قابل حمل از چیزهایی که در خانه یا در مدرسه خنده‌دار می‌یابند عکس بگیرند تا مهارت ارزیابی<sup>۲</sup> و درک<sup>۳</sup> موقعیت‌های طنز کودکان را مطالعه کند. او تصاویر گرفته‌شده کودکان را در بافت نظریه پوچی و توانمندسازی تحلیل کرد.

گو، ژانگ، وانگ و زیرومرتو<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) در پژوهش خود که با کودکان چینی و یونانی ۴,۵ تا ۵,۵ ساله اجرا شد، رابطه بین طنز و رشد شناختی را بررسی کردند. نقاشی‌هایی حاوی عناصر طنز را به کودکان نشان دادند و از آن‌ها خواستند ناهمخوانی‌های تصاویر را تعیین و توصیف کنند. آشکار شد که رابطه برجسته و مثبتی بین توصیف طنز کودکان چینی و یونانی با رشد شناختی آن‌ها وجود داشته است.

لویزو و کریاکو<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان درک و تولید کودکان از طنز زبانی و تصویری، از ۱۰۲ کودک ۳ تا ۷ خواستند که یک عکس را مشاهده کنند و در مورد خنده‌دار بودن آن نظر بدهند، یک داستان خنده‌دار بسازند و سپس یک نقاشی خنده‌دار بکشند. نتایج این پژوهش نشان داد که در توصیف طنز در نقاشی‌های کودکان نظریه عدم‌تجانس به کار می‌آید در صورتی که در توصیف طنز در تولید داستان‌هایشان، نظریه توانمندسازی مناسب‌تر است.

سزگین و هاتپ اوغلو<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) به بررسی نقاشی‌هایی که پیش‌دبستانی‌ها در سن ۵-۶ سالگی، در مورد موقعیت‌های خنده‌دار، کشیده بودند پرداختند. بر مبنای یافته‌های این پژوهش مشخص شد که کودکان بیشتر دوست داشتند برادر/خواهر بزرگ‌تر خود را سوژه موقعیت‌هایی که برای آن‌ها خنده‌دار بود، قرار دهند. بعد از برادر و خواهر بزرگ‌تر اکثراً دوست، مادر و در آخر پدر را ترجیح می‌دادند. کودکان دلکچ را به عنوان شخصیت سرگرم‌کننده، بیشتر دوست داشتند. آن‌ها در نقاشی‌های مربوط به برادر/خواهر بزرگ‌تر موقعیت‌هایی درباره عدم‌تجانس و دست‌وپا چلفتی‌گری را منعکس کرده بودند. ژست‌های خنده‌داری که در نقاشی‌های مرتبط با دوست نشان داده شده‌اند ناشی‌گری، بدشانسی اسم‌گذاری اشیاء، رخدادها و مردم به شیوه نامتجانس یا نادرست، بودند. مادر

1. Pitri. 2. appreciation. 3. perception. 4. Guo, Zhang, Wang & Xeromeritou.  
5. Kyriakou. 6. Sezgin & Hatipoglu

را بیشتر با ژست‌های طنزآمیز مورد استفاده‌اش، اسم‌گذاری اشیاء، رخدادها و مردم به شیوه ناسازگار یا نادرست و ژست‌های نامتجانس نشان داده‌اند. پدر را اکثراً با عدم‌تجانس، بدشانسی، ژست‌های خنده‌دار و ظاهر نامتجانس نشان داده‌اند. دلک را بیشتر در طبقه‌بندی بدشانسی، ناشی‌گری و ظاهر نامتجانس نشان داده‌اند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از میان پژوهش‌هایی که ذکر شد، تنها بخشی از پژوهش لوایزو و کریاکو (۲۰۱۶) به تولید زبانی طنز در کودکان اختصاص داشت و با وجود دامنه گسترده و عمیق پژوهش‌های طنز محور در دنیا، به این مقوله هنوز آن‌طور که باید و شاید پرداخته نشده است.

بررسی سازوکار منطقی در نظریه عمومی طنز کلامی به عنوان یک مؤلفه جداگانه در تحلیل‌های طنز محور موضوع جدیدی است که در پژوهش‌های انگشت‌شمار صورت گرفته در این باره، پژوهشی که منحصراً به کودکان اختصاص داشته باشد و به بررسی تولیدات زبانی طنز در کودکان بپردازد، موجود نیست اما آنچه در ادامه می‌آید مهم‌ترین پژوهش‌هایی است که در آن‌ها به موضوع سازوکار منطقی در طنز پرداخته شده است. پائولیلو (۱۹۹۸)، در تحلیل طنز تصاویر کارتونی *فار ساید* که توسط *گری لارسون* ارائه شده بود و در میان مردم و پژوهشگران حوزه طنز از محبوبیت بسیاری برخوردار بود، سیزده سازوکار منطقی را معرفی کرد. وی سه سازوکار منطقی الگوسازی از عناصر یک انگاره به انگاره دیگر؛ جایگزینی از یک عنصر به دیگر؛ و برابرنهادی دو انگاره هم‌زمان را پربسامدترین سازوکارهای به دست آمده از تحلیل ۸۰۰ تصویر کارتونی معرفی می‌کند. آتاردو، همپلمن و دی میو (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تقابل‌های انگاره و سازوکارهای منطقی» به ارائه فهرستی از سازوکارهای منطقی در جوک‌ها بر اساس روابط جانمایی پرداختند. سازوکارهای منطقی ارائه‌شده در این پژوهش، در تحلیل پیکره شناخته‌شده‌ای از جوک‌ها به دست آمده و بهترین کارایی‌شان در تحلیل جوک‌هاست.

سمسون، زی ست و هابر<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) با استفاده از روش تصویربرداری مغزی در مقاله‌ای با عنوان «پردازش طنز شناختی: سازوکارهای منطقی مختلف در تصاویر کارتونی غیرزبانی - بر اساس اف ام آر آی<sup>۲</sup>» نشان دادند که سازوکارهای منطقی مختلف ملزومات شناختی متفاوتی دارند که اثر الگوهای فعال‌سازی عصبی را نشان می‌دهند. شرکت‌کننده‌های این پژوهش بزرگسالان بودند و از نتایج این پژوهش، مشخص شدن جایگاه‌های فعال‌سازی سازوکارهای منطقی مختلف در مغز است، به

1. Samson, zysset & Huber. 2. FMRI.

عنوان مثال سازوکارهای منطقی جابه‌جایی نقش‌ها، برابرنهادی و اغراق، منطقه معمول پردازش طنز یعنی چین سینوسی جلویی پیشین مغز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همپلمن و آتاردو (۲۰۱۱) برای بررسی سازوکار منطقی در جوک، سه سطح عدم‌تجانس در جوک را معرفی می‌کنند. این سه سطح عدم‌تجانس عبارت‌اند از: عدم‌تجانس کاملاً پس‌زمینه‌ای شده<sup>۱</sup>، پس‌زمینه‌ای شده<sup>۲</sup> و پیش‌زمینه‌ای شده<sup>۳</sup>. به اعتقاد آنها عدم‌تجانس پیش‌زمینه‌ای تنها سطحی است که دارای سازوکار منطقی زیر زمین آن در جوک مطرح نشده است و برای درک جوک نیاز به تحلیل عدم‌تجانس‌های موجود در آن است. اکنون پس از مروری بر پیشینه موضوع، در ادامه به روش انجام تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها می‌پردازیم.

#### ۴- روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها

آزمودنی‌های این تحقیق را ۱۰۰ کودک (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) که در چهار پیش‌دبستانی خصوصی در مقاطع پیش‌دبستانی ۱ و ۲ شهر مشهد (منطقه ۹) در حال تحصیل بودند، تشکیل می‌دهند. از هر مرکز پیش‌دبستانی مجموعاً ۲۵ دختر و پسر به عنوان آزمودنی در این تحقیق شرکت کردند. به منظور بررسی سازوکار منطقی در تولیدات طنز کودکان، از آنها خواسته شد چنانچه تمایل دارند، خاطره‌ای خنده‌دار که برای خودشان اتفاق افتاده باشد را در کلاس برای همکلاسی‌هایشان تعریف کنند. به این منظور در فضای عادی کلاسی و با حضور مربی کلاس، کودکانی که تمایل به تعریف کردن خاطره خنده‌دار داشتند به جلوی کلاس آمدند و برای مربی و همکلاسی‌هایشان خاطره‌ای از موقعیت‌هایی که برایشان خنده‌دار تلقی می‌شد بیان کردند. پس از اتمام خاطره کودک، مربی یکی از این دو سؤال را از کودک می‌پرسید: «کجای این خاطره به نظرت خنده‌دار بود؟» یا «چرا این خاطره برات خنده‌دار بود؟». پاسخ به این سؤال در واقع عدم‌تجانس خاطره کودک و دلیلی است که از نگاه کودک باعث خنده‌دار شدن خاطره شده است. تمامی خاطرات کودکان توسط دوربین دستی کوچک که در کلاس قرار داده شده بود، فیلم‌برداری و سپس پیاده‌سازی شد.

به منظور کم کردن اثر الگوپذیری کودکان و تعریف کردن خاطرات مشابه با یکدیگر، آزمودنی‌ها از چندین کلاس در هر مرکز پیش‌دبستانی در این تحقیق شرکت کردند. همچنین تأکید در این پژوهش بر آنچه که کودک تعریف می‌کند بوده و احتمال مشابهت خاطرات مورد توجه نبوده است چراکه برهم زدن فضای طبیعی کلاس و درخواست از کودکان برای بیان خاطره، به صورت جداگانه محدودیت‌های دیگری را به تحقیق تحمیل می‌کرد. انتخاب روش فیلم‌برداری از طریق گذاشتن دوربین کوچک در

گوشه‌ای از کلاس نیز به دلیل برهم نزدن فضای طبیعی کلاس بوده است و در صورت پرسش کودکان در مورد علت وجود دوربین، پاسخی معمول درباره فعالیت‌های سالیانه توسط مربی به کودکان داده شده است.

##### ۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

خاطرات خنده‌دار کودکان شرکت‌کننده در این آزمون به تفکیک جنسیت در جداولی پیاده‌سازی و ثبت شد، موضوع خاطره، در ستون دوم این جدول نوشته شد و پاسخ به سؤال «کجای این خاطره به نظرت خنده‌دار بود؟» یا «چرا این خاطره برات خنده‌دار بود؟» همان چیزی است که کودک آن را باعث خنده‌دار شدن خاطره‌اش می‌داند و مشخص‌کننده عدم‌تجانس یا نقطه اصلی طنز خاطره کودک در نظر خود اوست به عنوان عدم‌تجانس خاطره ثبت شد و در نهایت سازوکار منطقی موجود در عدم‌تجانس خاطره که بیانگر شیوه تحلیل دو انگاره متقابل موجود در خاطره بود، پس از تحلیل خاطره، در ستون آخر قرار گرفت.

آنجا که کودک در پاسخ به سؤال مربی برای تشخیص جایگاه عدم‌تجانس خاطره، پاسخ «هیچی» یا «خنده‌دار نبود» و یا «همه‌اش» داده است به دلیل این که کودک نتوانسته است تشخیص دهد کجای خاطره‌اش خنده‌دار بوده و یا اینکه به هر دلیلی کودک تمایل به پاسخ درست دادن به سؤال را نداشته، در جدول تعداد سازوکارهای منطقی، به عنوان «بدون سازوکار منطقی» آمده است.

لازم به ذکر است که در تعدادی از موارد، عدم‌تجانس‌های موجود در خاطره کودک از عدم‌تجانسی که خود کودک به عنوان دلیل خنده‌دار بودن خاطره‌اش عنوان کرده است بیشتر بوده است منتهی از آنجا که هدف این تحقیق بررسی چیزهایی است که خود کودک آن‌ها را خنده‌دار می‌داند، تنها سازوکارهای منطقی موجود در دلیل خنده‌دار بودن خاطره کودک از دید خود او، در ستون سازوکار منطقی درج شده است. همچنین در اکثر خاطرات خنده‌دار کودکان در دلیلی که کودک برای خنده‌دار دانستن خاطره‌اش عنوان کرده دو یا سه سازوکار منطقی، وجود داشته است.

پس از تحلیل خاطرات کودکان مورد آزمون، به تفکیک دختر و پسر، پربسامدترین موضوعات مطرح شده در خاطرات آنها استخراج شد و همچنین تعداد هر یک از سازوکارهای منطقی غافلگیری، برابرنهادی، غیرمعمولی بودن و تخطی در خاطرات کودکان مورد محاسبه قرار گرفت.

### ۵-۱- تحلیل خاطرات خنده‌دار دخترها

پربسامدترین موضوعات در خاطرات خنده‌دار دخترها، افتادن (۱۰ مورد)؛ خندیدن (۷ مورد)؛ ترس، ترسیدن و ترساندن (۶ مورد)؛ داستان اغراق‌آمیز و غیرواقعی (۶ مورد)؛ حواس‌پرتی (۶ مورد)؛ غافلگیرشدن (۴ مورد)؛ اداهای دلک‌وار (۴ مورد)؛ کثیف‌کاری (۳ مورد) است. علاوه بر این موارد افتادن شلوار؛ قهرکردن؛ استفاده از تکیه‌کلام؛ انجام کار عجیب؛ ظاهر عجیب چیزی؛ سربه‌سر گذاشتن/ اذیت کردن؛ زدن/تلافی کردن؛ اشتباه کردن؛ گریه کردن؛ حرف بد زدن؛ کار بی‌ادبی؛ متوجه خواب بودن شدن؛ خوشحال شدن؛ حرف زدن موجودات دیگر؛ رقص؛ انداختن؛ اشتباه کردن؛ خواب‌وبیداری؛ تولد گرفتن؛ ادای حیوان‌ها رو درآوردن و قلقلک؛ از دیگر موضوعاتی است که خاطرات دخترهای پیش‌دبستانی آزمودنی این تحقیق به آنها اختصاص داشت.

سازوکارهای منطقی خاطرات خنده‌دار دخترها، شامل ۴۳ مورد غافلگیری، ۲۶ مورد غیرمعمولی، ۱۲ مورد تخطی و ۲ مورد برابر نهادی بوده است. همچنین از مجموع ۵۰ دختر پیش‌دبستانی مورد آزمون در این تحقیق، دو نفر در پاسخ به سؤال «کجای این خاطره خنده‌دار بود؟»، گفته‌اند «هیچی» و دو نفر گفته‌اند «همه‌اش»؛ بنابراین در جدول تعداد سازوکارهای منطقی، برای دخترها مقابل عنوان «بدون سازوکار منطقی» عدد ۴ ثبت شده است. در ادامه پس از ارائه بخشی از جداول تحلیل خاطرات خنده‌دار دخترها و پسرها به تحلیل خاطرات مندرج در جدول که به عنوان نمونه از هر سازوکار منطقی انتخاب شده است می‌پردازیم.

جدول ۲) تحلیل خاطرات خنده‌دار دخترها

خاطره	موضوع	دلیل خنده‌دار بودن	سازوکار منطقی
۱	یک روز با مامان و داداشم رفتیم بیرون بستنی بخیریم، داداشم یکجا قایم شد و بعد پرید بیرون و گفت بیخ و منو ترسوند.	ترساندن داداشم منو ترسوند	غافلگیری
۲	یک روز توی خونه داشتم کارتون می‌دیدم، گریه اومد دستش رو مالید به دستم، برگشتم دیدم گریه است، خندهم گرفت.	غافلگیر شدن گریه پشت سرم بود	غافلگیری
۱۵	یک‌بار داشتیم صندلی بازی می‌کردیم، یکی از بچه‌ها تا اومد بشینه، یکی دیگه صندلی رو از زیرش کشید. اون افتاد و پاش درد گرفت.	افتادن بچه‌ها افتاد	غافلگیری
۱۷	یک روز مامانم خوابیده بود، رفتم بهش گفتم ماما! ما آب می‌خواوم، مامانم گفت خب خودت برو آب بخور. بعد رفتم خودم آب بخورم دستم نرسید بعد گریه کردم بعد مامانم اومد بهم آب داد.	گریه کردن خنده‌دار نبود	بدون سازوکار منطقی
۱۸	یک روز می‌خواستم با خواهرم برم حمام، اون نمی‌خواست بذاره، من زورم کردم که باهاش برم حمام، بعد عجله کردم یادم رفت لباسمو توی حمام در بیارم.	حواس پرتی در نیاوردن لباس توی حمام	غیرمعمولی بودن غافلگیری
۱۹	یک روز خانوممون گفت بریم زیرزمین آهنگ بنذارم برق‌بین، ما رفتیم سرسره بازی کردیمو رقصیدیم. بعد محمد طاهار و پوریا بهم می‌گفتن این‌جوری مثل ما برق‌س (ادا درمی‌آورد). من به اونا گفتم نمی‌خواوم مدل شماها برقصم. مدل شماها زشته خنگ خدا.	حرف بد زدن تابو	تخطی
۲۴	من بعضی وقتا با خودم می‌خندم توی بازیهام.	خندیدن با خودم می‌خندم	غیرمعمولی بودن
۲۹	یک‌بار مرغ عشقمون اومده بود روی موهای من، یک‌دفعه دیدم یک چیزایی روی موهامه (نشان می‌دهد) دیدم از همون دونه‌هایی که داشته میخورده توی دهنش نگه‌داشته، بعد ریخته روی موهام. حالمم به هم خورد، خنده‌دارم بود.	کشیف کاری	تخطی غافلگیری
۴۴	بابام که منو پشتش سوار می‌کنه مٹ اسب‌ها، من می‌خندم از شادی.	ادا درآوردن	برابرنهادی
۴۶	یک روز من خونه مامانم جونم بودم، داشتم نقاشی می‌کشیدم، یک خط بزرگ کشیدم، یک‌دفعه دیدم اون خط تبدیل به آینه شد.	داستان اغراق‌آمیز و غیرواقعی	غیرمعمولی بودن غافلگیری

### تحلیل نمونه‌هایی از خاطرات خنده‌دار دخترها با سازوکار منطقی غافلگیری

تحلیل خاطره شماره ۱) ترساندن در این خاطره دارای عدم‌تجانسی میان حالت معمولی فرد با شرایطی است که به طور ناگهانی از حال طبیعی خود خارج شده است. تقابل این دو انگاره نامتجانس با سازوکار منطقی غافلگیری بیان می‌شود. ترساندن که به نوعی اذیت کردن دیگران محسوب می‌شود خلاف قوانین اخلاقی است و از این جهت این خاطره دارای سازوکار منطقی تخطی نیز هست.

تحلیل خاطره شماره ۲) در این خاطره، کودک هنگامی که احساس می‌کند چیزی به دستش مالیده شده است از شرایط معمولی که در حالت تماشای کارتون بوده، خارج می‌شود و با دیدن گربه، یعنی چیزی که انتظار آن را نداشته، غافلگیری اتفاق می‌افتد. تقابل میان دو انگاره متقابل حالت مورد انتظار و حالت غیرمنتظره در این خاطره توسط سازوکار منطقی غافلگیری بیان می‌شود.

تحلیل خاطره شماره ۱۵) افتادن هنگام راه رفتن و بازی کردن غافلگیری در پی دارد در این خاطره نیز تقابل میان انگاره‌های متقابل، حالت مورد انتظار و حالت غیرمنتظره؛ توسط سازوکار منطقی غافلگیری بیان می‌شود. در این خاطره سازوکار منطقی تخطی نیز وجود دارد چون کشیدن صندلی و اسباب اذیت دیگران را فراهم کردن، مخالف قوانین اجتماعی است اما با توجه به دلیلی که کودک برای خنده‌دار دانستن خاطره‌اش ذکر کرده است، سازوکار منطقی تخطی را به عنوان شیوه تحلیل انگاره‌های متقابل در این خاطره ذکر نکردیم. چنانچه کودک به عنوان دلیل خنده‌دار بودن خاطره‌اش می‌گفت «صندلی رو کشیدیم و بچه هه افتاد»، سازوکار منطقی تخطی هم در ستون سازوکار منطقی در مقابل این خاطره ذکر می‌شد.

### **تحلیل نمونه‌هایی از خاطرات خنده‌دار دخترها با سازوکار منطقی غیرمعمولی بودن**

تحلیل خاطره شماره ۱۸) در نیاوردن لباس هنگام حمام کردن حالتی غیرمعمول است. در این خاطره حالت معمول حمام کردن در تقابل با حالت غیرمعمول حمام کردن یعنی بدون درآوردن لباس قرار گرفته است. در این خاطره تقابل میان دو جفت انگاره متقابل، حالت معمول در برابر غیرمعمول؛ و حالت مورد انتظار در برابر حالت غیرمنتظره توسط سازوکارهای منطقی غیرمعمولی بودن و غافلگیری بیان می‌شود.

تحلیل خاطره شماره ۲۴) خندیدن با خود و در تنهایی خود، حالت غیرمعمولی برای افراد تلقی می‌شود. در این خاطره خندیدن کودک در تنهایی خودش تقابل حالت معمول در مقابل غیرمعمول است و توسط سازوکار منطقی غیرمعمولی بودن بیان می‌شود.

تحلیل خاطره شماره ۴۶) در این خاطره تبدیل شدن خط به آینه در نقاشی که حالتی غیرمعمول و مبالغه‌آمیز است توسط سازوکار منطقی غیرمعمولی توجیه می‌شود همان‌طور که ماهیت اغراق، فرایندی غیرمعمولی است. عدم تجانس خط و آینه و تقابل دو انگاره معمول در برابر غیرمعمول در این خاطره ملاحظه می‌شود. در این خاطره سازوکار منطقی غافلگیری از آن جهت که تبدیل شدن خط به آینه رویدادی پیش‌بینی نشده است نیز وجود دارد.

### تحلیل نمونه‌هایی از خاطرات خنده‌دار دخترها با سازوکار منطقی تخطی

تحلیل خاطره شماره ۱۹ در این خاطره که گفتن «خنک خدا» توسط کودک به دوستانش دلیل خنده‌دار بودن خاطره از دید کودک عنوان شده است. کودک با بیان کلامی نامناسب و غیرمؤدبانه به دوستانش، هنجاری از هنجارهای اجتماعی و قوانین مهدکودکی را نقض کرده و از آن‌ها سرپیچی کرده است. به کار بردن حرف زشت و کلام بی‌ادبی توسط کودک که نامتجانس با حالت معمولی صحبت کردن است توسط سازوکار منطقی تخطی بیان می‌شود.

تحلیل خاطره شماره ۲۹ در این خاطره کثیف‌کاری مرغ عشق روی موهای دختر، دارای عدم‌تجانسی است میان انگاره موی تمیز و مویی که آغشته به کثیف‌کاری پرند شده است. تقابل این دو انگاره، از طریق سازوکار منطقی تخطی صورت می‌گیرد. در این خاطره کثیف‌کاری مرغ عشق روی موهای دختر سبب غافلگیری نیز شده است. تقابل دو انگاره آنچه که در شرایط معمول مورد انتظار است و آنچه که پیش‌بینی نشده توسط سازوکار منطقی غافلگیری بیان می‌شود.

### تحلیل نمونه‌ای از خاطره خنده‌دار دخترها با سازوکار منطقی برابر نهادی

تحلیل خاطره شماره ۴۴ در این خاطره، فعال‌سازی هم‌زمان دو انگاره متقابل انسان و حیوان توسط سازوکار منطقی برابر نهادی بیان می‌شود. وقتی که انسان‌ها ادای حیوانات را درمی‌آورند و یا حیوانات کارهای خاص انسان‌ها را به سبک انسان‌ها انجام می‌دهند تقابل به وجود آمده توسط سازوکار منطقی برابر نهادی بیان می‌شود.

### ۵-۲- تحلیل خاطرات خنده‌دار پسرها

پربسامدترین موضوعات در خاطرات خنده‌دار پسرها افتادن (۱۲ مورد)؛ ترسیدن، ترساندن (۱۱ مورد)؛ داستان اغراق‌آمیز (۶ مورد)؛ حواس‌پرتی (۶ مورد)؛ کثیف‌کاری (۳ مورد)؛ زدن (۳ مورد)؛ کار عجیب یا اتفاق عجیب (۳ مورد)؛ سربه‌سر گذاشتن و اذیت کردن (۳ مورد) است. علاوه بر این موارد فرار کردن؛ اشتباه کردن؛ ادای انسان یا حیوان را درآوردن؛ استفاده از تکیه‌کلام؛ سوختن؛ کنده شدن، کندن؛ رقصیدن؛ خیس شدن؛ خندیدن؛ پرت شدن؛ گم‌شدن؛ کچل بودن؛ نادانی؛ جوک؛ به‌جایی برخورد کردن، از دیگر موضوعات خاطرات پسرهای پیش‌دبستانی مورد آزمون در این تحقیق بوده است.

سازوکار منطقی تولیدات طنز پسرها، شامل ۳۷ مورد غافلگیری، ۲۴ مورد غیرمعمولی، ۱۳ مورد تخطی و ۱ مورد برابر نهادی بوده است. در خاطرات خنده‌دار پسرها، سازوکار منطقی برابر نهادی وجود نداشت. از مجموع ۵۰ پسر پیش‌دبستانی مورد آزمون در این تحقیق، یک نفر در پاسخ به سؤال «کجای این خاطره خنده‌دار بود؟»، گفته است «هیچی» و یک نفر گفته است «همه‌اش»؛ بنابراین در جدول تعداد



سازوکارهای منطقی، مقابل عنوان «بدون سازوکار منطقی» برای پسرها عدد ۲ ثبت شده است.

جدول (۳) تحلیل خاطرات خنده‌دار پسرها

ردیف	خاطره	موضوع	دلیل خنده‌دار بودن	سازوکار منطقی
۶	یک روز رفته بودم مدرسه مامانم، یک بچه‌ای مشق‌هاشو با زرد نوشته بود، مامانم می‌گفت مشق‌ها تو، این که با زرده، ما نمی‌بینیم. بچه‌ها می‌گفتن توتو آورده براش مشق نوشته.	سربه‌سر گذاشتن	توتو مشق‌اشو نوشته بوده	برابرنهادی
۹	یک روز یک گربه اومد طرفم سنگ پرت کردم طرفش بهش خورد و فرار کرد. (ادای فرار کردن گربه را درمی‌آورد).	زدن فرار کردن	به گربه سنگ زدم فرار کرد	تخطی غافلگیری
۱۰	یک روز خواهر کوچولوی من، توی خونه‌مون روی زمین نشست بود و جیش کرده بود.	کثیف کاری	جیش کردنش	تخطی
۱۲	دست خواهرم خونی شده بود بابام با اسکاج کشید روی دستش. خواهرم تعجب کرده بود و می‌گفت بابا برای چی این کارو می‌کنی؟	حواس پرتی	با اسکاج روی دست خواهرم کشید	غیرمعمولی بودن غافلگیری
۱۴	یک روز بابام زمینو کند و خورد و کوچولو شد و فهمید که به دنیا نیامده. مامانم همین‌طور، بعد خواب بود، بعد منم به دنیا نیومده بودم، بعد منو بابام خواب بودیم.	داستان اغراق‌آمیز و غیرواقعی	هیچیش	بدون سازوکار منطقی
۳۱	یک روز رفته بودم کلوپ پاندا یک بچه‌ای کنارم واستاده بود، گفت بابا دستشویی دارم. باباش اشتباهی دست منو گرفت بیره دستشویی.	اشتباه کردن	حواس پرتیه اون آقاهه	غیرمعمولی بودن غافلگیری
۳۵	من دفعه اولی که رفته بودم دریا تا موج می‌زد، فرار می‌کردم فکر می‌کردم می‌خواد منو بگیره.	ترسیدن	از دریا می‌ترسیدم	غیرمعمولی بودن غافلگیری
۴۶	یک روز بابام اومد با من بستنی لیزی بخوره، بستنی کج شد افتاد (ادای افتادن بستنی را درمی‌آورد و می‌خندد).	افتادن	بستنی افتاد نتونست بخوره	غافلگیری
۴۷	یک روز من بادکنک ترکوندم، همه پریدن.	ترساندن	ترسیدن همه	غافلگیری
۴۸	من کوچیک بودم سوار هواپیما شدم هی می‌گفتم پس چرا سقوط نمی‌کنه (ادای سقوط هواپیما و صدای سقوط درمی‌آورد).	نادانی	حرف مسخره می‌زدم	غیرمعمولی بودن

### تحلیل نمونه‌هایی از خاطرات خنده‌دار پسرها با سازوکار منطقی غافلگیری

تحلیل خاطره شماره ۳۵ در این خاطره به این دلیل که کودک برای اولین بار دریا را دیده است و تاکنون آبی که موج داشته باشد و به سمت او پیش بیاید را ندیده است، انگاره متقابل آب‌های ساکنی که تا آن زمان دیده در تقابل با آنچه که می‌بیند قرار

گرفته و این غیرمعمولی بودن باعث غافلگیری او می‌شود. سازوکارهای منطقی غیرمعمولی بودن و غافلگیری توصیف‌کننده عدم‌تجانس‌های موجود در این خاطره است. تحلیل خاطره شماره ۴۶) در این خاطره حالت معمول بستنی خوردن در تقابل با حالتی که پیش‌آمده، سبب غافلگیری شده است. افتادن بستنی یعنی روی دادن حالتی غیرمنتظره در مقابل خوردن بستنی که حالت مورد انتظار است توسط سازوکار منطقی غافلگیری بیان می‌شود.

تحلیل خاطره شماره ۴۷) حالت معمول افراد در تقابل با به یک‌باره خارج شدن از آن حالت، در این خاطره با سازوکار منطقی غافلگیری بیان می‌شود.

### تحلیل نمونه‌هایی از خاطرات خنده‌دار پسرها با سازوکار منطقی غیرمعمولی

#### بودن

تحلیل خاطره شماره ۱۲) حواس‌پرتی دلیلی است که کودک آن را علت خنده‌دار بودن خاطره‌اش می‌داند. حواس‌پرتی حالتی غیرمعمول است و سازوکار منطقی غیرمعمولی بودن، شیوه تحلیل دو انگاره متقابل حالت معمول فرد با حواس جمع را در مقابل حالت غیرمعمول با حواس پرت بیان می‌کند. از طرف دیگر حالت حواس پرتی پدر، تقابل حالت مورد انتظار در برابر حالت غیرمنتظره اوست که توسط سازوکار منطقی غافلگیری بیان می‌شود.

تحلیل خاطره شماره ۳۱) در این خاطره کودک اشتباه کردن پدر بچه را دلیلی برای خنده‌دار دانستن خاطره‌اش می‌داند که حالتی غیرمعمول را بیان می‌کنند. تقابل دو جفت انگاره معمول در برابر غیرمعمول و حالت مورد انتظار در برابر حالت غیرمنتظره توسط سازوکارهای منطقی غیرمعمولی بودن و غافلگیری بیان می‌شود. تحلیل خاطره شماره ۴۸) سازوکار منطقی غیرمعمولی، تقابل اشتباه کردن و گفتن حرف‌های اشتباه از روی نادانی را با آنچه درست است بیان می‌کند.

### تحلیل نمونه‌هایی از خاطرات خنده‌دار پسرها با سازوکار منطقی تخطی

تحلیل خاطره شماره ۹) آزار دادن حیوانات، کاری است برخلاف ادب و قوانین اجتماعی. تقابل دو انگاره پرتاب کردن سنگ و آزار حیوانات در برابر پرتاب نکردن سنگ و آزار ندادن حیوانات، توسط سازوکار منطقی تخطی بیان می‌شود. در این خاطره مواجه شدن گربه با پرتاب شدن سنگ به طرفش و فرار کردن او، توسط سازوکار منطقی غافلگیری بیان می‌شود.

تحلیل خاطره شماره ۱۰) دستشویی کردن در محلی غیر از توالت، تخطی از قوانین اخلاقی و اجتماعی است به همین دلیل سازوکار منطقی تخطی را بیانگر دلیل خنده‌دار دانستن این خاطره می‌دانیم.

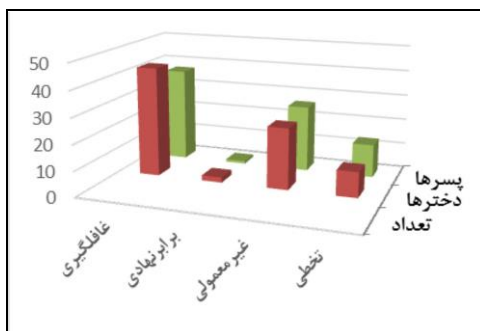
### تحلیل نمونه‌ای از خاطره خنده‌دار پسرها با سازوکار منطقی برابرنهادی

تحلیل خاطره شماره ۶ در این خاطره، تقابل انسان و حیوان توسط سازوکار منطقی برابرنهادی بیان می‌شود. مشق نوشتن مرغ عشق یعنی انجام کارهای خاص انسان‌ها که در این خاطره، به عنوان دلیل خنده‌دار بودن خاطره توسط کودک بیان شده است. همچنان که قبلاً گفته شد، در ستون درج سازوکار منطقی، برای برخی از خاطرات دو سازوکار منطقی در نظر گرفته شده است. به همین دلیل مجموع تعداد کل سازوکارهای منطقی از تعداد کودکانی که خاطراتشان مورد تحلیل قرار گرفته است، بیشتر است. در ادامه تعداد هریک از چهار سازوکار منطقی مورد بررسی در خاطرات خنده‌دار کودکان، به سبب مقایسه راحت‌تر در جدول ارائه می‌شود.

جدول ۴) تعداد هر یک از سازوکارهای منطقی در خاطرات خنده‌دار دخترها و پسرها

سازوکار منطقی	دخترها	پسرها
غافلگیری	۴۳	۳۷
برابرنهادی	۲	۱
غیرمعمولی	۲۶	۲۴
تخطی	۱۲	۱۳
بدون سازوکار منطقی	۴	۲

در مقایسه جداگانه هر یک از سازوکار منطقی میان دو گروه دخترها و پسرها، نزدیکی اعداد نشان از عدم وجود اختلاف معنادار میان تولیدات خنده‌دار کودکان دارد. نمودار هر یک از سازوکارهای منطقی موجود در خاطرات خنده‌دار کودکان، به تفکیک جنسیت، در ادامه آمده است.



نمودار ۵-۱ میزان وجود هر یک از ساز و کارهای منطقی در خاطرات خنده‌دار دخترها و پسرها

همان‌طور که ملاحظه می‌شود میان دو گروه دخترها و پسرها در میزان هیچ‌یک از سازوکارهای منطقی موجود در تولیدات خنده‌دار کودکان اختلاف قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد.

#### ۶- نتیجه

بر اساس تحلیل داده‌های این تحقیق که شامل خاطرات خنده‌دار ۱۰۰ کودک پیش‌دبستانی ۴-۶ ساله است، پاسخ به سؤال اول این تحقیق بدین‌گونه است: خاطرات خنده‌دار کودکان آزمودنی دارای هر چهار سازوکار منطقی غافلگیری، غیرمعمولی بودن، تخطی و برابرنهادی بوده است. سازوکارهای منطقی غافلگیری و غیرمعمولی بودن بالاترین میزان کاربرد و سازوکارهای منطقی تخطی و برابرنهادی کمترین میزان کاربرد را در خاطرات خنده‌دار کودکان داشت.

بالا بودن میزان کاربرد سازوکارهای منطقی غافلگیری و غیرمعمولی بودن در تأیید تقابل پایه‌ای است که راسکین آن را برشمرده است. راسکین تقابل پایه را بر سه نوع واقعی در مقابل غیرواقعی، معمول در مقابل غیرمعمول و ممکن در مقابل غیرممکن می‌داند که سازوکارهای منطقی غافلگیری و غیرمعمولی بودن بیانگر همین تقابل‌هاست. به نظر می‌رسد به لحاظ شناختی نیز، غافلگیر شدن که در پی تغییر به یک‌باره شرایط معمول اتفاق می‌افتد و تشخیص چیزهای غیرمعمول با توجه به انگاره‌های شناختی از پیش موجود در ذهن، برای کودکان به سادگی امکان‌پذیر است. همان‌طور که شنیدن صدایی ناگهانی، انجام حرکتی ناگهانی و غیرمنتظره و به‌وجودآوردن حالت غیرمعمول در چهره و شکلک درآوردن بسته به حالتی که ایجادشده باعث خنده یا گریه نوزادان چندماهه می‌شود.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق، می‌توان گفت در نوع و تعداد سازوکارهای منطقی به کار رفته در تولیدات طنز دخترها با پسرها تفاوت فراوانی وجود نداشت. استفاده از سازوکار منطقی غافلگیری با اختلاف اندکی در دخترها بیشتر از پسرها بوده است. سازوکار منطقی غیرمعمولی بودن در هر دو گروه دخترها و پسرها تقریباً به میزان مساوی به کار رفته است. کاربرد سازوکار منطقی تخطی با اختلاف اندکی در خاطرات خنده‌دار پسرها بیش از دخترهاست. سازوکار منطقی برابرنهادی نیز کاربرد بسیار اندکی در خاطرات کودکان آزمودنی این تحقیق داشته است و تفاوت کاربرد این سازوکار میان دو گروه دخترها و پسرها فراوان نیست.

نکته دیگری که از بررسی تحلیل خاطرات خنده‌دار کودکان در این تحقیق حاصل می‌شود این مهم است که از مجموع ۵۰ دختر و ۵۰ پسر مورد آزمون در این پژوهش ۴۶ دختر و ۴۸ پسر، قادر به تشخیص جایگاه عدم‌تجانس و دلیل اصلی خنده‌دار بودن

خاطره‌شان بوده‌اند؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم کودکان پیش‌دبستانی می‌توانند طنز تولید کنند و دلیل طنز یا خنده‌دار بودن تولیداتشان را هم می‌توانند تشخیص دهند. همچنین در بررسی داده‌های این پژوهش، اگرچه در خاطرات خنده‌دار پسرها نسبت به دخترها مایه‌های خشونت قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شد اما در شیوه تحلیل عدم‌تجانس‌های به کار رفته در خاطرات تفاوتی ملاحظه نشد. به نظر می‌رسد تفاوت میان دو جنس در تولید مقولات طنز و موضوعاتی که خنده‌دار شمرده می‌شوند، اگرچه به لحاظ کاربرد موضوعات خشونت‌آمیز و تخطی از قوانین و اصول اخلاقی در خاطرات کودکان پیش‌دبستانی فراوان است اما بعد از سنین پیش‌دبستانی نمود واضح‌تری پیدا کند.

بدون شک اثر مثبت به کارگیری طنز در امر آموزش و بالا رفتن کیفیت و سرعت یادگیری امری غیرقابل انکار است که بدون مراجعه به پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته‌اند نیز قابل پیش‌بینی است. تحلیل خاطرات خنده‌دار کودکان و شناسایی سازوکارهای منطقی پرکاربرد موجود در خاطرات خنده‌دار کودکان، به ساخت طنز برای اهداف آموزشی، فرهنگی و تفریحی کمک شایانی می‌کند. مقایسه سازوکارهای به کار گرفته شده در خاطرات خنده‌دار کودکان در رده‌های سنی مختلف با بزرگسالان نیز جنبه‌های تکامل شناختی در رشد طنز را نشان خواهد داد.

## منابع

- Alden, D. L., Hoyer, W. D., & Lee, C. 1993. Identifying global and culture specific dimensions of humor in advertising: A multinational analysis. *Journal of Marketing*, 57, 64–5.
- Attardo, S. 1994. *linguistic Theories of Humor*, New York: Mouton de Gruyter.
- . 2001a. *Humorous Texts: A Semantic and Pragmatic Analysis*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- . 2008a. *Semantics and pragmatics of humor*, Blackwell Language and Linguistics Compass.
- Attardo, S., & Raskin, V. 1991. Script theory revis(it)ed: Joke similarity and joke representation model. *Humor—International Journal of Humor Research*, 4, 293–348.
- Attardo, Salvatore, Hempelman, Christian F., Di Maio, Sara. 2002. Script oppositions and logical mechanisms: Modeling incongruities and their resolutions, *Humor* 15–1, 3–46, Walter de Gruyter.
- Banas, A. J., N. Dunbar, D. Rodriguez & S. J. Liu. 2010. A review of humor in educational setting: Four decades of research. *Communication Education* 60(1). 115–144.
- Booth-Butterfield, M. & Melissa W. 2010. Humorous communication as goal-oriented communication. In Deanna Fassett & John T. Warren

- (eds.), *SAGE Handbook of Communication and Instruction*, 221–240. Thousand Oaks CA: Sage.
- De Mey, T. 2005. Tales of the unexpected: Incongruity-resolution in humor comprehension, scientific discovery and thought experimentation. *Logic and Logical Philosophy*, 14, 69–88.
- Eysenck, H. J. 1942. The appreciation of humor: An experimental and theoretical study. *British Journal of Psychology*, 32, 295–309.
- Forabosco, G. 1992. Cognitive aspects of the humor process: The concept of incongruity. *Humor: International Journal of Humor Research*, 5, 45–68.
- Gervais, M. & Saba W. 2005. The evolution and functions of laughter and humor: A synthetic approach. *Quarterly Review of Biology* 80. 395–430.
- Guo, J., X. Zhang & Xeromeritou, A. 2011. Humor among Chinese and Greek preschool children in relation to cognitive development. *International Journal of Elementary Education* 3(3). 153–170.
- Hempelmann, Christian F. 2000. Incongruity and Resolution of Humorous Narratives Linguistic Humor Theory and the Medieval Bawdry of Rabelais, Boccaccio, and Chaucer, Unpublished M.A. Thesis. Ohio: Youngstown U.
- Hempelmann, Christian F. & Attardo, S. 2011. Resolutions and their incongruities: Further thoughts on logical mechanisms. *Humor: International Journal of Humor Research* 24(2). 125–149.
- Keramati Yazdi, S. 2009. *Tosif va barrasi tanz dar matbooaat zaban-e farsi az sal 1363 ta sal 1388 bar asas ruikardhaye karbordshenakhti*. payannameh karshenasi Arshad Amuzash zaban farsi be gheyr farsi zaban, Ferdowsi university of Mashhad.
- Koestler, A. 1964. *The act of creation*. London, England: Arkana.
- Kulka, T. 2007. the incongruity of incongruity theories of humor, *Organon* f14, No.3, 320-333
- Latta, R. 1999. *The Basic Humor Process: A Cognitive-Shift Theory and the Case Against Incongruity*, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Loizou, E. 2005. Infant humor: The theory of the absurd and the empowerment theory. *International Journal of Early Years Education* 13(1). 43–53.
- \_\_\_\_\_. 2011. Disposable cameras, humor and children's abilities. *Contemporary Issues in Early Childhood* 12(2). 148–162.
- Loizou, E. & Kyriakou, M. 2016, Young children's appreciation and Production of Verbal and Visual humor, *Humor* 29(1): 99-124
- Lynch, O. H. 2002. Humorous communication: Finding a place for humor in communication research. *Communication Theory*, 12, 423–445.
- Mahmoodi bakhtiyari, B. & Rezapoor, M. 2009. Barrasi vighegi-haye tanz-e kalami da asar Neil Simon: barrasi moredi namayeshname-haye shayeat va gomshodeh daryankerz, *Nashriye Honar-hay-e- ziba- honar-hay-e namayeshi va mosighi*, sh 38, 57-68.
- Martin, Rod A. 2007. *The psychology of humor: An integrative approach*. Oxford: Elsevier Academic Press.
- Mehrabi, Ho., & Modares Khiyabani, S. 2012. Barrasi avamel-e zabani moaser dar sheklgiri tanz kalami, *Majmooe maghalat Daneshgah Alame Tabatabayee*. Sh 281.

- McGhee, Paul. E. 1979. *Humor: Its origin and development*. San Francisco: Freeman.
- Monro, D. H. 1988. Theories of humor. In L. Behrens & L. J. Rosen (Eds.), *Writing and reading across the curriculum* (pp. 349–355). Glenview, IL: Scott Foresman.
- Morreall, J. 1983. *Taking laughter seriously*. Albany: SUNY.
- \_\_\_\_\_. 1987. *Taking laughter seriously*. Albany, NY: State University of New York.
- \_\_\_\_\_. 1999. *Comedy, tragedy, and religion*. Albany, NY: SUNY Press.
- Paolillo, John C. 1998. Gary Larson's Far Side: Nonsense? Nonsense! *Humor: International Journal of Humor Research* 11(3), 261–290.
- Pitri, E. 2011. Children's funny art and the form it can take over time. *International Journal of Education through Art* 7(1). 81–96.
- Raskin, V. 1985. *Semantic Mechanisms of Humor*, Dordrecht, the Netherlands: D. Reidel.
- Samson, A. C., Zysset, S., & Huber, O. 2008. Cognitive humor processing: Different logical mechanisms in nonverbal cartoons—an fMRI study. *Social Neuroscience*, 3(2), 125–140.
- Sezgin, Elif Y. & Hatipoglu, R. 2017. The study of the 5-6 year-old children's Appreciation the humor at preschool Education, *universal Journal of Educational Research* 5(11): 1902-1911.
- Shariat Panah, S. 2013. *Tahlil-e gofتمان Vag Vag Sahab bar paye nazariyeh omumi tanz kalami va ruykard ejtemaee-shenakhti Van dijk*, payannameh karshenasi Arshad zabanshenasi hamegani, Ferdowsi university of Mashhad.
- Shultz, T. R. 1976. A cognitive-developmental analysis of humour. In A. J. Chapman & H. C. Foot (Eds.), *Humor and laughter: Theory, research, and applications* (pp. 11–36). London, UK: Wiley.
- Suls, J. M. 1972. A two-stage model for the appreciation of jokes and cartoons: An information processing analysis. In J. H. Goldstein & P. E. McGhee (Eds.), *The psychology of humor: Theoretical perspectives and empirical issues* (Vol. 1, pp. 81–100). New York, NY: Academic Press.
- Veale, T. 2004. Incongruity in humor: Root cause or epiphenomenon? *Humor: International Journal of Humor Research*, 17, 419–428.
- Warren, Caleb, & McGraw, A. P. 2015. Differentiating what is Humorous From what is Not. *Journal of personality and social Psychology*, 1-24.
- Zamaniyan, N. 2007. *Naghsh-e ebham dar latifeh-haye zaban-e farsi*. Payannameh karshenasi Arshad zabanshenasi hamegani, university of Tehran.





